

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری
۰۵ جولای ۲۰۱۸

مصاحبه با «کارلوس ویمر» دبیر روابط خارجی حزب کمونیست ونزوئلا پیرامون وضعیت جاری کشور



س: پیروزی در انتخابات را چگونه ارزیابی می کنید و چرا از مادورو حمایت کردید؟

پ: پیروزی مادورو برای ما یک پیروزی مهم و خوبی بود ولی نه آنچنان که بخواهیم آن را جشن بگیریم، بلکه یک پیروزی برای تعمق بیشتر و به کار بستن انتقاد و انتقاد از خود. ایالات متحده امریکا با همکاری اتحادیه اروپائی نمی خواستند که اصولاً انتخابات در کشور ما صورت بگیرد. آن‌ها قبل از انتخابات اعلام کردند که نتیجه انتخابات را به رسمیت نخواهند شناخت. بورژوازی در روز یکشنبه، روز انتخابات در بخش حمل و نقل اعتصاب عمومی به راه انداخت. همین که اساساً انتخابات صورت گرفت، آن هم موفق و آرام، خود دلیل بارزی براین بود که اکثریت مردم خواهان صلح و دموکراسی هستند. برای ما هم دموکراسی به این معنی است که مردم حق داشته باشند از طریق انتخابات تعیین کنند که چه کسی رئیس‌جمهور و کدام فرد نماینده آن‌ها در مجلس باشد. (انتخابات ریاست جمهوری و مجلس هر دو در یک روز صورت گرفت)

س: شرکت در انتخابات و آرای مطلق مادورو نسبت به گذشته کمتر بود. علت آن چه بود؟

پ: علت این بود که اپوزیسیون شرکت در انتخابات را تحریم کرد... هر چند که بخشی از اپوزیسیون در انتخابات شرکت نمود. این انتخابات دمکراتیک بود و چهار نامزد در مقابل مادورو قرار گرفته بودند. از آنجا که اپوزیسیون عمدتاً در انتخابات شرکت نکرد و در بین هواداران ما برخی فکر کردند «مادورو که پیروز خواهد شد» و لذا در انتخابات شرکت نکردند، با این حال در مقایسه با دیگر کشورهای آمریکای لاتین درصد شرکت کنندگان در انتخابات بسیار بالا بود. البته ما راضی نیستیم ولی نسبت به کشورهای دیگر آمریکای لاتین مثل کلمبیا، آرژانتین، چیلی و برزیل تعداد شرکت کنندگان در انتخابات ونزوئلا بالا بود و در نتیجه این ارقام را باید نسبی دید.

س: چرا حزب کمونیست از مادورو حمایت کرد؟

پ: ما زیر شعار «وحدت برای دفاع از میهن» از مادورو حمایت کردیم. ونزوئلا یک کشور سرمایه‌داری است با همه تضادهای ویژه یک کشور سرمایه‌داری و ما هم با هم پیمانان خود از جمله حزب سوسیالیست متحده که یک حزب سوسیال دمکرات است، تضادهائی داریم. مبارزه علیه دخالت، علیه تهدیدات نظامی که از طرف ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپائی، همه این مسایل باعث شد که زمینه‌های مشترک بیش‌تر از تفاوت‌های ما با حزب سوسیالیست متحده باشد و البته در مبارزات انتخاباتی ما این تفاوت‌ها را بیان کردیم.

س: شما به عنوان حزب کمونیست با حزب سوسیالیست متحده قراردادی امضاء کردید. محتوای این قرارداد چه بود؟

پ: حمایت ما از مادورو مشروط به قبول یک پلتفرم مشترک حداقلی بود و از این‌رو ما با حزب سوسیالیست متحده به این توافق رسیدیم. امضای این قرارداد ساده نبود ولی با این وجود موفقیت‌آمیز بود. برای ما این برنامه، برنامه مبارزه برای دفاع از منافع طبقه کارگر است و پیشنهادات مختلفی را دربر می‌گیرد که به کمک آن‌ها مشکلات و اشتباهات برطرف خواهد شد. پس از ۱۹ سال این اولین برنامه مشترک بین حزب کمونیست و حزب سوسیالیست متحده ونزوئلا است که ما آن را اقدامی موفق ولی همین‌طور ضروری می‌دانیم. بدون این برنامه حمایت ما از مادورو محرز نبود.

س: نکات مرکزی این برنامه چیست؟

پ: این برنامه مشترک از ۱۹ بند تشکیل می‌شود که از جمله روی رهبری جمعی روند انقلابی تأکید می‌کند. انقلابی به معنای جنبشی آزادیبخش و نه به معنای سوسیالیستی. به نظر ما، ما در ونزوئلا با مشکلات زیادی روبه‌رو هستیم، زیرا زحمتکشان در مواضع و سطوح مدیریتی قرار ندارند. هرچند آنان می‌توانند نمایندگان خود را انتخاب کنند ولی در سطوح مدیریت مواضع هنوز در دست بورژوازی است.

نکته دیگر مبارزه علیه ارتشاء است، خواست برنامه‌ریزی مرکزی، علیه رانت‌خواری بورژوازی و این درخواست که در شرایط سخت اقتصادی موجود حتی یک دالر به نفع بورژوازی صرف نگردد، صادرات و واردات در دست دولت متمرکز گردد. یک مسأله مهم دیگر توسعه و تکامل بیش‌تر تولید است. ونزوئلا یک کشور نفت‌خیز است. ما بیش از یک صد سال است که از نفت استفاده می‌کنیم و اکنون می‌خواهیم که کشور صنعتی شود، آن‌هم نه تنها در چارچوب پروژه‌های عظیم (که بعضاً وجود دارد)، بلکه در بخش شرکت‌های کوچک و متوسط، در صنوف مختلف و در کشاورزی.

ما بر روی هم ۶۰ پیشنهاد به حزب سوسیالیست متحده ارائه کردیم، ولی مجبور شدیم آن‌ها را تقلیل داده روی ۱۹ بند به توافق رسیدیم که مشترکاً به آن‌ها تحقق خواهیم بخشید. این برنامه یک برنامه سوسیالیستی نیست ولی اگر دولت آماده باشد تا وضعیت را به طور مشخص بهبود بخشد و این نکات را به اجراء درآورد، آغازی مثبت خواهد بود.

س: در کدام نکات با حزب سوسیالیست متحده اختلاف نظر وجود دارد؟

پ: تفاوت های ما تفاوت بین کمونیسم و سوسیال دموکراسی است. در حال حاضر این مسایل برای ما مرکزی نیست ولی ما به مبارزه خود برای رسیدن به سوسیالیسم ادامه می‌دهیم. سوسیالیسم آزادی بشر از استثمار و به دست گرفتن قدرت از سوی طبقه کارگر و زحمتکشان است.

اصول تئوریک ما مارکسیسم-لنینیسم است و ما در ۲۰۰-مین سالگرد تولد مارکس می‌توانیم ثابت کنیم که در ونزوئلا پیشرفت های چشمگیری به ویژه در امور روبنائی صورت گرفته است. ولی نهایتاً مسأله تعیین کننده چیست؟ مسأله تعیین کننده پایه های اقتصادی است به این معنا که آگاهی انسان‌ها نهایتاً به وسیله وضعیت اقتصادی و معیشتی آنان تعیین می‌شود. در این نکته در کلیه روندهای متری در کشورهای امریکای لاتین از جمله در ارجنتاین، برزیل با لولا و اکوادور با کور‌ها و غیره درک غلطی وجود داشت. آن‌ها همگی خود را روی مسایل روبنائی متمرکز کردند- تعلیم و تربیت، بهداشت و درمان، محل سکونت، قانون اساسی نوین، دموکراسی مشارکتی، فرهنگ و ورزش و غیره و غیره... همه این‌ها خوب و عالی. در ونزوئلا تا وقتی که قیمت نفت خیلی بالا بود، همه چیز عمل می‌کرد و می‌شد پول زیادی صرف رشد و توسعه روبنا کرد ولی با افت قیمت نفت ما با واقعیت سخت روبه‌رو شدیم.

برای حزب کمونیست ونزوئلا این مسأله مهمترین مسأله به شمار می‌رود که به اختلاف نظر با حزب سوسیالیست متحده که طبیعتاً از نیروهای مختلفی تشکیل می‌شود، منجر می‌گردد. بخش بزرگی از آن‌ها هنوز تصور می‌کنند که می‌توان در چارچوب سیستم سرمایه‌داری، رفرفرم های جامعه صورت داد و یک زندگی انسانی را تضمین کرد. سرمایه‌داری و ایالات متحده امریکا دقیقاً خلاف آن‌را به ما نشان می‌دهند. آن‌ها نشان می‌دهند که ما اقتصاد خود را کنترل نمی‌کنیم. اقتصاد ما از طریق صنایع خصوصی در بخش‌های مواد غذایی، داروئی و کشاورزی و از طریق انحصارهای بین‌المللی در کنترل آن‌هاست و آن‌ها امروز از آن به طور مشخص مانند سلاحی علیه ما و علیه روندهای متری در کشور استفاده می‌کنند.

س: می‌گویند کمبودها، اشتباهات و ناپیگیری‌هایی از طرف دولت وجود داشته است. تورم شدید، بزهکاری و ارتشاء مورد انتقاد شماست. این چیزها چرا وجود دارد؟

پ: برخی‌ها فکر می‌کنند که با زبان خوش و یا با گفتمان می‌توان دشمن طبقاتی را قانع کرد که نباید استثمار کند و یا کم استثمار کند. این یک رؤیا است. هرچند در ونزوئلا وضع کمی بهتر شده ولی ما هنوز در جامعه سرمایه‌داری زندگی می‌کنیم. در کشور ما هم مثل تمام جهان قشر کوچکی از ابر ثروتمندان در مقابل توده عظیمی از مردم قرار دارند که هنوز فاقد بسیاری از چیزها هستند (هر چند که فقر کاهش یافته است). با وجود سرمایه‌داری در ونزوئلا هنوز استثمار موجود است. با محبت‌ها و پند و اندرزهای مسیحی نمی‌توان بر استثمار غلبه کرد. حداکثر شاید بتوان آن را تخفیف داد ولی طبیعتاً با وجود بی‌عدالتی در سیستم و با فرهنگی که آن را فرهنگ نفتی می‌نامیم که آرزوی داشتن ثروت عظیم برای همه کس وجود دارد همه این چیزها که گفتید در کشور ما وجود دارد و این وظیفه حزب کمونیست است که با آن مبارزه کند. می‌دانیم که قادر نیستیم این مشکلات را به کمک یک قرارداد کتبی از میان برداریم، بلکه

این کار تنها از طریق مبارزه طبقاتی و با حل مسأله قدرت عملی خواهد بود. ما می‌خواهیم که بورژوازی بر ما حاکم نباشد، بلکه قدرت در دست طبقه کارگر و زحمتکشان قرار داشته باشد. برای مقابله با ارتشاء ما خواستار دموکراسی مشارکتی هستیم. دموکراسی مشارکتی و مسأله قدرت برای طبقه کارگر، ابزار و وسایلی برای حل معضل و در ضمن یک سیستم اخلاقی است. از این‌رو ما برای سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه می‌کنیم.

س: حمله و تهدید از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپایی چه نقشی ایفاء می‌کند؟

پ: برای ما روشن است که اگر مبارزه طبقاتی به پیش برده شود و بدون شک تاکنون در ونزوئلا به پیش برده شده است، دشمن طبقاتی واکنش نشان خواهد داد. دشمن گه گاه که خطر عمده ای را از جانب ما احساس نمی‌کند، ما را به حال خود رها می‌سازد ولی همین‌که کار و مبارزه ما به پیش رود و امتیازات بورژوازی و انحصارات بین‌المللی به خطر افتد، واکنش آنان مشهود خواهد شد. ما به عنوان کمونیست نباید آن را تراژیدی بدانیم. به هر حال ما که مخالف مسامحه با سرمایه‌داری هستیم هر جا که استثمار صورت می‌گیرد با آن مقابله می‌کنیم تا خود را از قید آن آزاد سازیم. دشمن طبقاتی طبیعتاً از کلیه ضعف‌های ما سوءاستفاده خواهد کرد. ضعف اصلی ما پایه ضعیف اقتصاد در ونزوئلا است. همه چیز وابسته به اقتصاد تک‌محصولی نفتی است. مثلاً تمام زیربنای کشور مطابق با ضروریات یک کشور مستقل و خلاق نیست، بلکه فقط و فقط بر پایه صادرات بنا شده، یعنی کلیه شهرهای بزرگ در کنار ساحل بنا گردیده است و مناطق دور از ساحل شهرهای بزرگی ندارد. جاده و خطوط آهن و تقریباً همه چیز دیگر از چاه‌های نفتی و یا از معادن به سواحل کشور کشیده شده است.

کلیه این ساختارها تنها برای تاراج کشور، تاراج منابع طبیعی و کسب سود برای انحصارهای بزرگ امپریالیستی بنا گردیده است و در اینجا تنها ایالات متحده نقش آفرینی نمی‌کند، بلکه اروپا نیز در این چپاول سهم است که سرمایه داران آن طبیعتاً به معادن ذغال سنگ، بوکسیت، آهن، طلا، الماس، کولتان، نفت و گاز و همین‌طور چوب دسترسی دارند. ونزوئلا دارای منابع آب شیرین گسترده ای است که طبیعتاً برای جهان قابل توجه است و همین‌طور تلون تیره ها که به نوبه خود بسیار مهم است. لذا منطقی است که کشورهای امپریالیستی کوشش کنند، کشور ما را تحت کنترل خود درآورند و هر نوع مقاومتی را سرکوب سازند.

مبین این امر تنها جنگ‌های مختلف در افریقا نیست. نمونه کشور ما ونزوئلا امروز معرف این سیاست است. در ونزوئلا چه خبر است؟ ۱۹ سال است که این کشور کوچک و ضعیف علیه بزرگترین قدرت نظامی امپریالیستی مقاومت می‌کند. درست مانند کوبا و یا بولیوی، البته با این اختلاف بزرگ که ونزوئلا یک کشور غنی است. اگر ما فقیر بودیم و هیچ ثروت طبیعی در اختیار نداشتیم مطمئناً با حوصله بیشتری با ما رفتار می‌کردند ولی امپریالیسم آزمند است و از این‌رو نقشه ایالات متحده و اتحادیه اروپایی به عنوان نماینده سرمایه‌داران اروپایی برای تسخیر و غصب این منابع تغییری پیدا نخواهد کرد.

س: این وضعیت برای شما به چه معنی است؟

پ: یعنی این که ما باید خود را برای یک مبارزه طولانی مثل کوبا و یا مثل ویتنام که آن را با موفقیت به پایان رساند، آماده سازیم. هر چند که حزب ما کوچک است ولی نقشی که ایفاء می‌کند کوچک نیست. مثلاً در سازماندهی طبقه کارگر و یا جوانان زحمتکش. این کار وظیفه و در عین حال امکان بزرگی است و در حال حاضر این وظیفه در انقلاب بولیواری ما بزرگتر شده است: مبارزه مشکلات و خطراتی با خود به همراه دارد ولی در عین حال امکاناتی را نیز

عرضه می‌دارد که اوضاع را تغییر خواهد داد. وقتی که مبارزه طبقاتی زیاد رشد نکرده باشد، تقریباً هیچ تغییر محسوسی به وجود نخواهد آمد و کشورهای امپریالیستی خواهند توانست با آسودگی خاطر به استثمار خود ادامه دهند. چندین سال است که چشم جهان به ونزوئلا خیره شده. این تنها عقیده ما نیست، بلکه نیروهای چپ و احزاب کمونیست نیز بر همین عقیده اند، زیرا این مبارزه هرچند که تنها مبارزه در جهان نیست و هنوز به خونریزی کشیده نشده ولی یکی از مهمترین مبارزات است چون از نظر اقتصادی دارای امکانات زیادی است. ونزوئلا با کشورهای دیگر به ویژه کشورهای امریکای لاتین همبستگی زیادی نشان داده است. تقویت روند انقلابی در ونزوئلا به معنای حمایت از دیگر مبارزات آزادیبخش است. به این خاطر در چشم ایالات متحده ما جزو «محور کشورهای شرور» قرار گرفته ایم. این امر ما را در مقابل وضعیت بغرنجی قرار می‌دهد: ما که برای انقلاب و سوسیالیسم مبارزه می‌کنیم و خواهان صلح و رهائی از جنگ‌های امپریالیستی هستیم. وقتی امپریالیست‌ها ما را تهدید به جنگ می‌کنند، باید قادر باشیم از خود دفاع کنیم. در حال حاضر ما طبیعتاً در این سیستم سرمایه داری مبارزه می‌کنیم. این بدان معناست که ما در جهت اجرای رفرم‌ها مبارزه می‌کنیم. ولی ما همزمان برای انقلاب هم مبارزه می‌کنیم، زیرا می‌دانیم که رفرم همیشه محدود عمل می‌کند، یعنی ما در عین این‌که برای صلح مبارزه می‌کنیم باید از نظر نظامی نیز خود را برای مقابله با حمله آماده سازیم و نه آن زمان واکنش نشان دهیم، که حمله آغاز شده باشد.



این درسی است که از کودتای فاشیستی ۱۹۷۳ در چیلی آموختیم. در چیلی بعدها انتقاد شد که چرا به ارتش اعتماد شده بود. انتقاد از خارج همیشه ساده تر است. آن‌ها امیدوار بودند که در یک دموکراسی که در آن طی ۱۰۰ سال هیچ کودتایی سابقه نداشت در حالی که در همه کشورهای دیگر کودتا صورت می‌گرفت، در آینده نیز کودتایی نخواهد شد. ولی خوب، برای بورژوازی طی آن ۱۰۰ سال ضرورتی برای کودتا وجود نداشت. ولی بعد یک دولت مترقی و دموکراتیک (ولی نه انقلابی) سر کار آمد که برای

بورژوازی و امپریالیسم امریکا دلیل کافی برای اجرای یک کودتای نظامی بود. این کودتا یک جنایت عظیم بود و هر جا که ما خود را آماده نکرده باشیم، محتمل خواهد بود. یک نمونه مهم دیگر کوبا است. امپریالیسم به ویژه امپریالیسم امریکا سعی وافری به خرج داد تا کوبای سوسیالیستی نابود شود ولی نتوانست، زیرا وحدت خلق کوبا اکنون ۶۰ سال است که پایدار مانده و درست همین وحدت خلق نیز در ونزوئلا لازم می‌باشد. از این‌رو ما به عنوان حزب کمونیست از اتحاد نظامی مدنی مردم حمایت می‌کنیم و به همین دلیل مهم است که دولت مادورو نیز هنوز پایدار است. اگر ارتش دچار نفاق گردد و به مخالفت با دولت برخیزد وضعیت بسیار بد خواهد شد. ممکن است این امر برای چپ‌های اروپائی متناقض به نظر رسد ولی ما می‌گوئیم باید بتوانیم از خود دفاع کنیم، زیرا ما مثل ایالات متحده و کشورهای اتحادیه اروپائی یک کشور امپریالیستی نیستیم.

از این‌رو سازوکار «کاهش تسلیحات به جای افزایش تسلیحات» سازوکار درستی است، ولی کشورهای ما که در واقع به طور دایم مورد تهدید امپریالیسم هستند باید خود را از نظر نظامی تقویت کنند تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند. این رابطه دیالکتیکی بسادگی قابل حل نیست.

منبع: رد گلوب

تارنگاشت عدالت